

بررسی حدیث ثقلین

تألیف:

ابوخلیفه

علی بن محمد قضیبی

عنوان کتاب:	بررسی حدیث ثقلین
تألیف:	ابوخلیفه علی بن محمد قضیبی
ترجمه:	گروه علمی فرهنگ‌ی موحّدین
موضوع:	بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت، علم غیب، امامت و مهدویت، خمس)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحّدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۶
اهل بیت چه کسانی هستند؟	۸
استدلال شیعه به حدیث ثقلین	۱۴
مفهوم تمسک به ثقلین از دیدگاه اهل سنت	۱۶
اهل سنت و شیعه در عمل به حدیث ثقلین	۲۰
اهل سنت و ثقلین:	۲۰
دوم: شیعه و ثقلین	۲۷
پایان	۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على خير الأنام صلوات ربي وسلامه عليه وعلى آله وصحبه وسلم، وبعد:

برادر دعوتگر قضیبی را بعد از انتشار کتاب معروفش (ربحت الصحابة ولم اخسر آل البيت) شناختم، کتابی که وی آنرا عنوان سلسله کتاب‌هایش قرار داده است.

این عنوان نشانه‌های بزرگی دارد و به وضوح فرق اهل سنت و شیعه را بیان می‌نماید، و همچنین موضوع این کتاب بسیار با اهمیت است؛ چون در حدیث پیامبر ﷺ بحث می‌کند. و حدیث جزئی از ثقل اکبر (قرآن) است، و ثقل اصغر نزد شیعه (عترت) است، و مؤلف با وجود کم حجم بودن کتاب حق مطلب را ادا نموده است.

خواننده محترم! بر شما پوشیده نیست که اهل سنت بر قرآن کریم اعتماد می‌کنند، قرآن که کلام خداست که آن را به عنوان معجزه بر محمد ﷺ نازل فرموده است، و یکی از عنایات و الطاف الهی نسبت به امت این است که قرآن را حفاظت نموده و به آن اضافه نشده و از آن کم نگردیده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

«البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققاً محفوظ خواهیم داشت.»

پس قرآن موعظه و شفایی است برای دل‌ها و مایه هدایت و رحمت است برای مومنان، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءً لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۵۷].

«ای مردم عالم نامه ای که همه پند و اندرز و شفای دل‌های شما و هدایت و رحمت بر مومنان راست از جانب خدا برای نجات شما آمد».

و همچنین اهل سنت در اثبات عقاید و آئین‌های خود، بر سنت امام اهل بیت و پیشوای جهانیان محمد ﷺ اعتماد و تکیه می‌کنند، آیا اهل سنت به خاطر اینکه فقط به پیامبر ﷺ تاسی می‌جویند و از ایشان پیروی می‌نمایند قابل ملامت هستند؟!.

پس پیامبر امام و پیشوا است، و اصل دین نزد ما اهل سنت همین است. و مسلمان نمی‌تواند به قرآن کریم یا به رسول خدا طعنه بزند و یا از جایگاه قرآن یا رسول خدا ﷺ بکاهد. پس باید همه به تعظیم پیامبر ﷺ و تمسک به سنت‌ها و رهنمود ایشان که اساس اصلاح و دعوت هستند، فرا خوانده شوند، و مؤلف کلام علما را در مورد سند و معنای حدیث ثقلین ذکر کرده، که کفایت می‌کند.

و نزد ما اهل سنت شهادت «أن محمداً رسول الله» یعنی ایمان قطعی داشتن به اینکه خداوند محمد ﷺ را برگزیده و او را به عنوان پیامبر برای انسان‌ها و جن‌ها فرستاده است، پس تصدیق ایشان در آنچه امر نموده و پرهیز از آنچه نهی کرده واجب است، و هر خبری که از طریق صحیح از او نقل شده ایمان آوردن به آن واجب است و همان طور که ایشان خبر داده اتفاق خواهد افتاد، و اطاعت از ایشان ﷺ واجب است.

و باید عبادت ما در ظاهر و باطن مطابق با عبادت پیامبر ﷺ باشد، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾ [الحشر: ٧].

«و آنچه خدا از اموال کافران دیار برسول خدا غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان رسولاست و یتیمان و فقیران و راهگزاران این حکم برای آن است که غنائم دست بدست میان توانگران شما نگردد و شما آنچه رسول حق دستور دهد بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است».

و همچنین باید پیامبر ﷺ را صادقانه از ته قلب دوست داشت، دوست داشتنی فراتر از دوست داشتن خود و پدر و مادر و همه مردم، پیامبر ﷺ می فرماید: «هیچ یک از شما مومن کامل نمی شود مگر اینکه من برای او از پدر و فرزند و همه مردم محبوب تر باشم»^۱.

و همچنین هرگاه که اسم پیامبر ﷺ برده می شود باید بر او درود و سلام فرستاد، و همچنین ال و خویشاندان آن حضرت را به خاطر خویشاوندی ایشان ﷺ باید دوست داشت و همچنین محبت صحابه چون همراه و یار ایشان ﷺ بوده اند واجب است.

و در اینجا کلماتی اضافه می کنم... ائمه رحمهم الله همه به رحمت خدا پیوسته اند بجز امام منتظر پس کشمکشی برای قدرت و این که خلیفه چه کسی می شود باقی نمانده است و کشمکش سیاسی به پایان رسیده است.

و مهدی منتظر - همانطور که همه کسانی که به آن باور دارند اقرار می نمایند - وقتی بیرون بیاید معجزات و امور خارق العاده ای دارد که بوسیله آن صاحب زمین می گردد و قدرت سیاسی و فکری خود را گسترش می دهد، و او از سوی خدا یاری می شود و به بشر نیاز ندارد، پس بنابراین باید کشمکش و نبرد شیعه و سنی کم شود و هر دو طرف به مصالح خود بنگرند.

وصلی الله علی نبینا محمد و علی آله وصحبه أجمعین.

صالح بن عبدالله الدریش
قاضی دادگاه عمومی قطیف

۱- متفق علیه، و این لفظ از بخاری است.

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم المرسلين، وإمام المهاجرين، محمد بن عبدالله، وعلى آله وصحبه ومن والاه إلى يوم الدين. اما بعد...

خداوند متعال از پنهان کردن حق بر حذر داشته و می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْنَا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾﴾ [البقرة: ١٥٩-١٦٠].

«آن گروه از اهل کتاب که آیات و ادله واضحه‌ای را که برای هدایت خلق فرستادیم کتمان نموده پس از آنکه برای مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم آنها را خدا لعن می‌کند و جن و انس و ملک نیز لعن می‌کند. مگر آنهایی که توبه کردند و مفساد اعمال خود را اصلاح نمودند و بیان کردند برای مردم آنچه را کتمان می‌کردند پس توبه این گروه را می‌پذیرم که منم پذیرنده توبه و مهربان به خلق.»

و با توجه به این آیات بر من لازم بود تا آنچه از حق را می‌دانم بیان کنم، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾﴾ [الأحزاب: ٣٩].

«این سنت خداست در حق آنانکه تبلیغ رسالت خدا بخلق می‌کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت می‌کند.»

و این رسانیدن پذیرفته شود این چیزی است که آرزو داریم، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ وَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ ﴿١٨﴾﴾ [الزمر: ١٨].

«آن بندگانی که چون سخن حق بشنوند نیکوتر آنرا عمل کنند آنان هستند که خداوند آنها را به لطف خاص خود هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند».

و می فرماید: ﴿لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ [الغاشية: ۲۲].

«و تو مسلط توانا بر آنها نیستی».

خواننده‌ی محترم:

در روزی که باطل گسترش یافته است، لازم دیدم که حق را برای کسانی که خدا و جهان آخرت را می‌طلبند بیان کنم.

خواننده محترم:

علمای شیعه - خداوند ما و آنها را به سوی حق هدایت کند - از حدیث ثقلین چنین فهمیده‌اند که اهل سنت از اهل بیت پیروی نمی‌کنند و به آنچه آنها آورده‌اند تمسک نجسته‌اند و بلکه از دشمنان اهل بیت پیروی کرده‌اند.

و برای آن که حقیقت برای شما روشن گردد و این شبه رفع شود، و برایتان مشخص شود که چه کسانی اهل بیت را دوست دارند و چه کسانی به آنها دشمنی می‌ورزند این کلمات را به رشته تحریر در آوردم.

و از همه کسانی که از نوشته‌های گران سنگ آنان در مورد این موضوع استفاده برده‌ام تشکر می‌کنم به خصوص شیخ صالح بن عبدالله الدریش قاضی دادگاه عمومی شهر قطیف، که لطف فرمودند و بر کتاب من مقدمه‌ای نوشتند، و از خداوند می‌خواهم که ایشان را در اجر و پاداش با من شریک گرداند.

خواننده محترم و حق جو: تقلید و تعصب را کنار بگذار و با بصیرت و عقل بخوان تا به امید خدا حقیقت کاملاً برایت روشن شود.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه

ابو خلیفه، علی محمد قضیبی

۲۰۰۸.۵۱۴۲۹ م

قضیه - منامه - کشور پادشاهی بحرین

اهل بیت چه کسانی هستند؟

ابن منظور در کتابش لسان العرب - که یکی از مهم‌ترین مراجع لغت است - می‌گوید: اهل البیت یعنی کسانی که در خانه سکونت دارند، و اهل الرجل: یعنی خاص‌ترین افراد او، و اهل بیت پیامبر ﷺ یعنی همسران و دختران و دامادش یعنی علی رضی الله عنه!

و ابن قتیبه رضی الله عنه می‌گوید: «از این رو مردم می‌گویند عترت یعنی ذریه و نسل خاص فرد، و کسی که می‌گوید: عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، منظورش فرزندان فاطمه است، و عترت یعنی ذریه و نزدیکترین خویشاوندان فرد: یعنی از آنها و دیگران، و قول ابوبکر رضی الله عنه بر همین دلالت می‌نماید که فرمود: ما عترت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستیم که از آن بیرون آمده و از آن سرچشمه گرفته است، و عرب‌ها از ما جدا شده‌اند همانطور که آسیا از مرکزش جدا می‌شود». و ابوبکر بر این بود که در حضور قوم چیزی را ادعا کند که آنها آن را نمی‌دانستند^۲.

این در لغت بود اما در شریعت، خداوند در قرآن کریم می‌گوید که همسران پیامبر از اهل بیت هستند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَأْتِئْتُكُمْ بِشَيْءٍ مِّنْهَا بَخِيرٍٓ أَوْ ءَاتِيكُمْ بِشِهَابٍٓ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ [النمل: ٧].

«بیاد آر هنگامی که موسی به اهل خود گفت مرا آتشی بنظر آمد می‌روم تا از آن بزودی خبر بیاورم یا شاید برای گرم شدن شما شعله‌ای برگیرم».

۱- لسان العرب حرف لام، ص ۲۹۰، القاموس المحيط باب اللام - فصل الهمزة، ص ۱۲۴۵.

۲- أدب الکاتب، ص ۲۸۰.

و با موسی کسی جز زنش همراه نبود، پس مراد از «اهله» که در آیه ذکر شده همسرش می‌باشد، و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [یوسف: ۲۵].

«و هر دو به جانب در بشتافتند و زن پیراهن یوسف از پشت بدرید که در آن حال شوهر آن زن را بر در منزل یافتند و زن گفت جزای آنکه با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا بزندان برند یا به عقوبت سخت کیفر کنند چه خواهد بود».

و آیه سخن زن پادشاه را حکایت می‌کند، و وقتی ابراهیم علیه السلام به فرزند مژده داده شد در حالی که زنش عقیم بود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَالُوا أَنْعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾ [هود: ۷۳].

«فرشتگان با او گفتند آیا از کار خدا عجب داری رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت رسالت است زیرا خدا بسیار ستوده صفت و بزرگوار است».

هر کس در این آیه تأمل کند می‌بیند که مخاطب در اینجا زن ابراهیم علیه السلام است، و او آن وقت فرزند نداشت، و چون شوهرش هم مورد خطاب است با (میم) جمع تعبیر کرد و نون که برای زنان بکار می‌رود را نیاورد، چنان که می‌فرماید: «رحمت الله وبرکاته علیکم» و در مورد آیه تطهیر که در سوره احزاب آمده همین طور است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳].

«خدا چنین می‌خواهد که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند».

و از آنجا که علمای شیعه توانایی پاسخگویی به این اشکال را ندارند ادعا کردند که در آیه تطهیر سوره ی احزاب تحریف صورت گرفته است، مصالح دنیوی در غیر از محل

خود قرار داده شده است، چنان که مجلسی گفته است.

مجلسی می‌گوید: «شاید آیه تطهیر را در جایی قرار داده‌اند که فکر کردند مناسب با آنجاست، و یا به خاطر بعضی از مصالح دنیوی اشان آن در سیاق خطاب به زنان پیامبر، قرار داده‌اند...».

و شیعه کلمه (اهل) را در قرآن به زن تفسیر کرده‌اند، چنان که در فرموده الهی که می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ ۚ ءَأَنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۚ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ [القصص: ٢٩].

«آنگاه که موسی عهد خدمت به پایان رسانید و اهل بیت خود از حضور شعیب رو به دیار خویش کرد آتشی از جانب طور دید به اهل بیت خود گفت شما در اینجا مکث کنید که آتی به نظرم رسید میروم تا شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله ای بگیرم».

در کتاب الحدائق الناضرة آمده است: منظور از اهل زن است.^۱

و همچنین در این مورد این روایت را می‌آورند: از علی علیه السلام روایت است که گفت: هر کسی می‌خواهد کسی را به ازدواج... تا اینکه می‌گوید: وقتی زنش را نزد او آوردند دو رکعت نماز بخواند و سپس دستی بر پیشانی‌اش بکشد و بگوید: «اللَّهُمَّ بَارِكْ فِي أَهْلِ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي...»^۲.

«بار خدایا زخم را مایه ی برکت بگردان و مرا برای آنها مایه ی برکت بگردان...».

و همچنین اگر به حدیث کساء مراجعه کنیم معنی آیه تطهیر که به جای مؤنث آمدن با (میم) جماعت و مذکر آمده روشن می‌شود، در حدیث کساء پیامبر صلی الله علیه و آله به یکی از همسرانش می‌گوید: «تو بر خیر هستی».

۱- التفسیر الاصفی فیض کاشانی ۲/ ۹۲۷ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل ناصر مکارم شیرازی ۱۲ / ۲۲۵.

۲- الحدائق الناضرة بحرانی ۳۲ / ص ۱۵۵.

حدیث با عبارت مختلفی روایت شده ولی این کلمات گرچه در لفظ فرق می‌کنند اما در معنا و مضمون یکی هستند.

از عمر بن سلمه ناپسری پیامبر ﷺ روایت است که گفت: وقتی این آیه که: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۳] «خدا چنین می‌خواهد که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.» در خانه‌ی ام سلمه بر پیامبر ﷺ نازل شد آنگاه پیامبر فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و علی پشت سر ایشان بود و سپس با چادری آنها را پوشاند و گفت: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا»، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: وَأَنَا مَعَهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «وَأَنْتِ مَكَانِي، وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ»^۱.

«بار خدایا اینها اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنها دور نما و آنان را کاملاً پاکیزه بگردان، ام سلمه گفت: و من هم با آنها هستم ای پیامبر خدا؟ فرمود: تو در جاییت باش تو بر خیر و خوبی هستی) و در روایتی دیگر آمده است که فرمود: تو بر خیر هستی تو از همسران پیامبر می‌باشی».

مثالی برای توضیح بیشتر حدیث کساء:

برای رفتن جهت ادای فریضه ی حج آمادگی‌هایی انجام می‌شود، یکی از این کارها واکسن زدن است، و وقتی کسی می‌خواهد به حج برود واکسن می‌زند، پس اگر فردی واکسن زد آیا دوباره باید واکسن زده شود؟ یا همان واکسن برایش کافی است.

به نظرم سوال واضح و جوابش هم واضح است. پس داستان اهل کساء همین طور است، پیامبر ﷺ علی و فاطمه و حسن و حسین را زیر عبایش قرار داد، و همسرانش را زیر آن قرار نداد؛ چون قبلاً آیه ی تطهیر در مورد آنها نازل شده بود، دلیلش این است

۱- جامع الترمذی کتاب تفسیر القرآن / ۵ / ۳۵۱ حدیث ۳۱۰۵ و کتاب المناقب مناقب اهل البيت / ۵ / ۶۶۳ حدیث

که پیامبر ﷺ بعد از نزول این آیه گفت: «بار خدایا اینها اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنها دور نما و آنان را کاملاً پاکیزه بگردان.»

پس پیامبر ﷺ از خداوند خواست که پلیدی را از آنها دور نماید و آنان را کاملاً پاک بگرداند، و اگر آیه متضمن این می‌بود که خداوند خبر داده بود که پلیدی را از آنها دور نموده و آنان را کاملاً پاک گردانیده است، نیازی به طلب دعا نبود، و خداوند گفته بود: خداوند از شما اهل بیت پلیدی را دور نموده و کاملاً پاکتان نموده است.

مناسب است در اینجا اشاره کنم که منابع شیعه روایاتی در بر دارند که تصریح می‌کنند که آل بیت ﷺ مفهومی دیگر دارد.

از جمله این روایات یکی این است که ام سلمه رضی الله عنها راوی حدیث از زمره کسانی بود که پیامبر او را به همراه پنج تن زیر عبا قرار داد، چون او به پیامبر ﷺ آیا از اهل تو نیستم؟ فرمود: بله، ام سلمه می‌گوید: آنگاه مرا زیر عبا قرار داد.^۱

و در روایتی دیگر آمده است که ایشان رضی الله عنهم فرمود: «بار خدایا، مرا و اهل بیتم را بسوی خودت ببر نه به سوی دوزخ، گفتم: ای رسول خدا، و من هم با شما هستم؟ فرمود: و تو هم هستی»^۲.

و از حسین رضی الله عنه روایت است که او بعد از آن که فرزندان و برادران و اهل بیت خود را جمع کرد و به آنها نگاه کرد و لحظه ای گریست و سپس گفت: بار خدایا ما عترت پیامبر هستیم.^۳

پس حسین عترت را منحصر در خودش و پسرش زین العابدین قرار نداد بلکه بطور عام همه کسانی را از اهل بیت که با او بودند جزء عترت قرار داد. و از زید بن علی بن

۱- العمدة ص ۱۸، بحار الأنوار ۳۵ / ۲۲۱ - ۴۵ / ۱۹۸، تفسیر البرهان ۳ / ۳۲۱، مناقب الإمام أميرالمؤمنین از محمد بن سلیمان کوفی ۲ / ۱۵۲.

۲- بحار الأنوار ۲۵ / ۳۷۲۴۰، ۳۹ / ۴۰۲، الأمالی طوسی ص ۱۳۶.

۳- بحار الأنوار ۴۴ / ۳۸۳.

حسین علیه السلام روایت است که گفت: من از عترت هستم^۱.

و همچنین فرزندان مسلم بن عقیل چنین گفتند^۲.

و در روایات شیعه آمد است که: پیامبر صلی الله علیه و آله در خود حدیث ثقلین بعد از این که گفت: در میان شما دو چیز گران می‌گذارم...، به او گفته شد: اهل بیت تو چه کسانی هستند؟ گفت: آل علی، و آل جعفر، و آل عقیل، و آل عباس^۳.

و علی در مورد زبیر رضی الله عنه گفت: زبیر همواره مردی از ما اهل بیت بوده است^۴.

و همچنین امام صادق به بسیاری از یارانش می‌گفت: او از ما اهل بیت است^۵.

و امام باقر به سعد بن عبدالملک که در بنی امیه است می‌گوید: تو اموی و از ما اهل بیت هستی^۶.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: از پیشگامان عترت من اطاعت کنید آنها شما را از گمراهی باز می‌دارند و به راه درست راهنمایی می‌کنند، و شما را به حق فرا می‌خوانند، و کتاب و سنت مرا احیا می‌نمایند و بدعت‌ها را از بین می‌برند^۷.

و اگر بخواهیم از مفهوم عترت سخن بگوییم سخن ما بسی طولانی خواهد شد، اما این خلاصه ای که ذکر شد بیانگر این مطالب است که اصطلاح عترت نزد ائمه اهل بیت در دوازده نفر منحصر نبوده است و همان طور که گفته‌اند اهل خانه بهتر می‌دانند که در خانه چه هست!

۱- بحار الأنوار ۴۶/ ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۹۸- اثبات الهداة ۱/ ۶۰۴، ۶۰۵

۲- بحار الأنوار ۴۵/ ۱۰۳، ۱۰۱- الأملی، صدوق ۷۷، ۷۸، ۷۹.

۳- بحار الأنوار ۲۳/ ۱۱۵ - ۲۳۷/ ۲۵ - ۲۱۱/ ۳۵، ۲۹۹، كشف الغمة ۱/ ۴۴.

۴- بحار الأنوار ۲۸/ ۳۴۷ - ۱۰۸/ ۳۲ - ۱۴۵/ ۴۱، الخصال ص ۱۵۷.

۵- بحار الأنوار ۴۷/ ۳۴۵، ۳۴۹ - ۱۵۵/ ۸۳، الاختصاص: ص ۶۸/ ۱۹۵.

۶- بحار الأنوار ۴۶/ ۳۳۷، الاختصاص: ص ۸۵ البرهان ۲/ ۳۱۹.

۷- بحار الأنوار ۱۶/ ۳۷۵.

استدلال شیعه به حدیث ثقلین

شیعه اثنا عشری به حدیثی استدلال کرده‌اند که بسیاری از علمای اهل سنت آن را ضعیف قرار داده‌اند، و آن حدیث این است: «در میان شما چیزی را باقی گذاشته‌ام که اگر به آن تمسک جوئید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترت من و اهل بیت»^۱. و ادعا می‌کنند که در این حدیث به تمسک به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله امر شده و آنها دوازده نفر هستند، و این حدیث دلیلی است بر اینکه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله این دوازده نفر خلیفه و پیروی از آنها واجب است، و اطاعت از غیر از اینها جایز نیست، بلکه روایاتی که از دوازده امام نقل می‌کنند به صراحت می‌گویند که منکر امامت دوازده امام، کافر است: و این دیدگاه متقدمین علمای شیعه است، اما متاخرین می‌گویند که منکر امامت کافر نمی‌شود مگر آنکه بعد از ثبوت دلیل شرعی و قطعی از روی عناد قصداً منکر آن شود، اما اگر امامت از روی دلیل برای او ثابت نشده باشد کافر نمی‌شود، چون بر حسب اجتهاد خودش امامت را انکار کرده است^۲.

و این قول با آنچه دو عالم بزرگ شیعه مفید و مجلسی نوشته‌اند مخالف است آنها می‌گویند: «امامیه بر این اتفاق کرده‌اند که هر کسی امامت یکی از ائمه را انکار نماید کافر و گمراه است و مستحق جاودانه ماندن در دوزخ است»^۳.

۱- ترمذی کتاب المناقب ۳۷۸۶ که یکی از روایان آن انماطی است که منکر الحدیث می‌باشد (المعجم الكبير طبرانی ۸/۳) و تعداد اندکی از علما این حدیث را با عبارت «و عترتی اهل البیت» صحیح تر قرار داده‌اند مانند علامه آلبنی که در این کتاب مفهومی که ایشان از حدیث برگرفته اند را توضیح خواهد داد.

۲- و این تناقض متاخرین است و متقدمین و متاخرین بر کافر بودن صحابه اتفاق دارند، با اینکه صحابه اهل اجتهاد بوده‌اند، و آیا شیعه دلیلی بر ثبوت دلیل شرعی قطعی دارند که صحابه را کافر قرار دهند.

برادر حق جو سخن مفید و مجلسی را مورد ملاحظه قرار بده که می‌گویند اگر کسی امامت یکی از ائمه را انکار کند کافر و گمراه است و مستحق جاودانه ماندن در دوزخ است، و نگفته‌اند که باید انکار از روی عناد جحد باشد، و کلمه «جحد» که در عبارت این دو آمده منظورش انکار فرضی از فرض‌های طاعت است.

اما اگر کسی در کلام امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام تأمل کند می‌بیند که کلام ایشان با سخن مفید و مجلسی مخالف است و بلکه با قول همه دوازده امام مخالف است، در کتاب نهج البلاغه اثر شریف رضی در خطبه علی علیه السلام اقرار می‌کند که خلافت می‌تواند در دست او یا کسی دیگر باشد، و از او ثابت است که وقتی بعد از کشته شدن عثمان رضی الله عنه او را فرا خواندند که با وی بیعت نمایند گفت: «مرا رها کنید کسی دیگر غیر از من را بجوئید»^۱.

منظور این است که در حدیثی که با کلمه‌ی «و عترتی اهل البیت» آمده از نظر صحت و ثبوت آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بحث است، و آنچه در صحیح مسلم ثابت است این است که زید بن ارقم رضی الله عنه راوی آن است در آن آمده که به تمسک به کتاب خدا امر شد و در مورد اهل بیت توصیه نمود، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تمسک به کتاب خدا تشویق نمود سپس فرمود: و اهل بیت من، خدا را در مورد اهل بیت مد نظر داشته باشید، پس آنچه به تمسک به آن امر شده کتاب خداوند است، و در مورد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمان داد که مورد توجه قرار بگیرند و حقوقی که خداوند به آنها داده به آنان داده شود.

و اینک عبارت حدیث، از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اما بعد، هان! ای مردم من بشری هستم، نزدیک است که فرستاده‌ی پروردگارم بیاید و من اجابت کنم، و من در میان شما دو چیز گران بها می‌گذارم اولین آن کتاب خداوند است که سرشار از هدایت و نور می‌باشد پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوئید، و آنگاه به تمسک به کتاب خدا ترغیب و تشویق نمود، سپس گفت: و اهل بیت من، شما را در

مورد اهل بیتم تذکر می‌دهم که الله را مد نظر داشته باشید، در مورد اهل بیتم به شما متذکر می‌شوم که خدا را به یاد داشته باشید.

حصین به او گفت: ای زید اهل بیت او چه کسانی هستند؟ آیا زنانش از اهل بیتش نیستند؟ گفت: زنانش از اهل بیتش می‌باشند، ولی اهل بیت کسانیند که بعد از او از زکات محرومند، گفت: آنها چه کسانیند؟ گفت: آنها آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس هستند، گفت: زکات برای همه ی اینها حرام است است؟ گفت: بله^۱.

مفهوم تمسک به ثقلین از دیدگاه اهل سنت

گرفتن کتاب خدا یعنی تمسک به آن و عمل نمودن به آنچه در آن آمده است، اما در مورد اهل بیت علیهم السلام آنچه در حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده این است که ایشان علیهم السلام در مورد آنها وصیت نمود که مورد توجه باشند و حقوقی که خداوند متعال برای ایشان مقرر نموده به آنها داده شود. و یکی از علمای اهل سنت که حدیث ثقلین را صحیح قرار داده علامه محمد ناصر الدین آل‌بانی رحمته الله علیه است که با توجه به همه طرق حدیث آن را صحیح شمرده است، اما او در مورد معنا و مفهوم حدیث چیزی می‌گوید که کاملاً با آنچه شیعه از حدیث می‌فهمند مخالف است، و این متن کلام او رحمته الله علیه است:

«خواننده محترم بدان که معروف است که شیعه از این حدیث استدلال می‌کنند و خیلی آنرا تکرار می‌نمایند، تا جایی که بعضی از اهل سنت فکر می‌کنند آنها درست می‌گویند، اما همه اشتباه می‌کنند به دو دلیل:

اول اینکه مراد از عترت که در حدیث آمده بیشتر و گسترده‌تر از چیزی است که شیعه مراد می‌گیرند، و اهل سنت آن را رد نمی‌کنند بلکه به آن تمسک جسته‌اند، عترت یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و این در بعضی از طرق حدیث توضیح داده شده است، مانند حدیث

۱- مسلم ۴/ ۱۸۷۳ و همچنین نگا بحار الأنوار مجلسی ۲۳/ ۱۱۴/ ۱۱۵.

جای خود توضیح داده شده است، و حدیث کساء (آل عبا) و احادیثی که به معنای آن آمده‌اند نهایت این است که دلالت آیه را گسترده‌تر می‌نمایند و علی و اهل علی را جزو آن قرار می‌دهند، چنان که حافظ بن کثیر و غیره گفته‌اند، و همچنین حدیث عترت پیامبر ﷺ توضیح داده که مراد از اهل بیتش همسرانش و علی و خانواده‌اش می‌باشند.

بنابراین، توربشتی چنان که در المرقاه ۵/ ۶۰۰ آمده می‌گوید: عترة الرجل: یعنی اهل بیت او و خویشاوندان نزدیکش، و از آن جا که عترت را به صورت‌های زیادی استفاده می‌کردند پیامبر مفهوم آن را اینگونه توضیح داد که (اهل بیت من) تا دانسته شود که منظورش نسل و خویشاوندان نزدیک و همسرانش، می‌باشد.

دوم اینکه از اهل بیت علمای صالح اهل بیت و متمسکان به قرآن و سنت مراد هستند، امام ابو جعفر طحاوی می‌گوید: عترت اهل بیت پیامبر ﷺ هستند، آنانکه بر دین او می‌باشند و به امر و فرمان او تمسک جسته‌اند.

و شیخ علی قادری در حواله مذکور سخنی مانند همین را ذکر کرده و سپس می‌گوید که دلیل ذکر کردن اهل بیت به طور خاص این است که: اغلب اهل بیت احوال صاحب بیت و خانه را بهتر می‌دانند، پس منظور علمای اهل بیت هستند که از سیره ی پیامبر آگاه و روش و شیوه ی ایشان و حکم و حکمت او را می‌دانند، و اینگونه می‌توان اهل بیت را در کنار کتاب خدا قرار داد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ [البقرة: ۱۲۹]. یعنی کتاب و حکمت را به آنها می‌آموزد.

می‌گوییم - آلبانی - و مانند همین است فرموده ی الهی که در آیه ی تطهیر خطاب به همسران پیامبر می‌گوید: ﴿وَأَذْكُرَنَّ مَا يُثَلَّلَ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۴].

«و از آنهمه حکمت و آیات الهی که در خانه‌های شما تلاوت می‌شود متذکر شوید و پند گیرید و همانا خدا را بخلق لطف و مهربانی است و آگاه است.»

پس روشن شد که مراد از اهل بیت یعنی آنان از اهل بیت که به سنت ایشان صلی الله علیه و آله تمسک جسته‌اند، پس منظور از اهل بیت در حدیث همین است، از این رو اهل بیت را یکی از ثقلین قرار داده چنان که در حدیث زید بن ارقم گذشت، و سخن ابن اثیر در النهایه به همین اشاره دارد او می‌گوید: «آن دو را ثقلین نامیده است چون تمسک به آن دو یعنی کتاب و سنت و عمل کردن به آنها دشوار است، و به هر چیز مهم و گران بهایی ثقل گفته می‌شود، و بنابراین برای تعظیم و گرامیداشت آنها، آن دو را ثقل نامیده است».

می‌گوییم - یعنی آلبانی - خلاصه اینکه قرار گرفتن اهل بیت در کنار قرآن در این حدیث مانند ذکر سنت خلفای راشدین در کنار سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: «سنت مرا و سنت خلفای راشدین را لازم بگیرید...».

ملا علی قاری ۱ / ۱۹۹ می‌گوید: «آنها عمل نکردند مگر به سنت من، پس نسبت دادن به آنها یا به خاطر آگاهی آنها از سنت است و یا به خاطر این است که از سنت استنباط کرده و آنرا بر گزیده‌اند» پایان سخن آلبانی رحمته!

پس کجا شیخ آلبانی حدیث را منحصر در دوازده امام کرده است تا شیعه اثنا عشری از آن علیه اهل سنت دلیل بیاورد؟!.

و از اینجا می‌فهمیم که شیعه اثنا عشری تصحیح آلبانی را پذیرفته‌اند اما آنچه او از حدیث فهمیده را قبول نکرده‌اند، شما اگر تصحیح او را قبول می‌کنید استنباط او از حدیث را نیز قبول کنید.

اهل سنت و جماعت هیچ کسی را به گرفتن قول و دیدگاه کسی که برای آن دلیلی ندارد، ملزم نمی‌کنند، و بلکه فقط به گرفتن قول و دیدگاهی فرد را ملزم قرار می‌دهند که آن قول و استنباط دلیلی داشته باشد، و کلام شیخ آلبانی در اینجا کاملاً واضح است.

اهل سنت و شيعه در عمل به حديث ثقلين

اهل سنت و ثقلين:

به فرض اینکه حدیث صحیح باشد و اشکالی در آن وجود نداشته باشد، باید نگاه کنیم که چه کسی به حدیث عمل کرده اهل سنت یا شیعه اثناعشری؟!.

جواب این سوال:

أ - ناقلان قرآن اهل سنت و جماعت هستند:

نخست به چیزی آغاز می‌کنیم که پیامبر ﷺ به آن آغاز نموده یعنی کتاب خدا، معروف و ثابت است که کتاب خدا با تواتر از طریق اهل سنت و جماعت به ما رسیده است و در نقل آن یک راوی شیعه امامی اثناعشری هم وجود ندارد، و آن همین قرآنی است که امروز بین مسلمین متداول است، پس کجا هستند ناقلان شیعه که این قرآن را از ائمه اهل بیت نقل کرده‌اند؟!.

و معلوم است که زراره و جابر جعفی و هشام بن حکم از کسانی که احادیث زیادی از امام جعفر صادق نقل کرده‌اند، و غیره روایت کرده‌اند، پس چرا قرآن کریم را از ائمه روایت نکرده‌اند؟!.

و کسی که قرآن را از جعفر صادق نقل کرده است حمزه الزیات است که با سند متصل به آل بیت و از آنها به پیامبر ﷺ، روایت نموده و او رحمه الله از اهل سنت و جماعت بود^۱.

پس راویان شیعه اثناعشری کجایند؟!.

مثال:

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَيُّهَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ﴾

۱- نگاه کنید: النشر في القراءات العشر، ابن جوزی ۱/ ۱۳۳.

[النساء: ۷۸].

«هر کجا باشید اگر چه در کاخ‌های بسیار محکم مرگ شما را فرا رسد».

سوال این است که آیا شیعه اثناعشری کلمه‌ی ﴿يُذْرِكُكُمْ﴾ در این آیه را با یک کاف می‌خوانند یا با دو کاف؟

اگر شیعه اثنا عشری آن را با یک کاف می‌خوانند سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است، که آنها این قرائت را از کدام راوی گرفته‌اند، و اگر با دو کاف می‌خوانند باز هم این قرائت را از کدام راوی گرفته‌اند؟

پس شیعه سندی ندارند و بلکه قرآن را از اهل سنت شنیده و همان طور می‌خوانند. و از آنجا که اهل سنت از شیعه ثقل اکبر (قرآن) را بهتر می‌دانند پس آنها از شیعه به ثقل اصغر (عترت) آگاه‌ترند.

و اینک اسانید کسانی را ارائه می‌کنیم که قرآن را با طرق متواتر برای ما روایت کرده‌اند، و آنها قاریان دهگانه هستند و نزد اهل سنت ائمه قرائت‌ها می‌باشند، و از آنها بیست راوی قرائت‌های قرآن را روایت کرده‌اند و هر امامی دو راوی دارد:

۱- قاری مدینه امام نافع که از او ورش و قالون روایت کرده‌اند. و این قرائت از شش تن از صحابه که عبارتند از: عمر بن خطاب، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عیاش، و ابی هریره رضی الله عنهم، روایت شده است.

۲- قاری مکه امام ابن کثیر که از بزّی و قنبل روایت کرده است: و این قرائت از پنج تن از صحابه روایت شده است که عبارتند از عمر بن خطاب، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن عباس و عبدالله بن سائب رضی الله عنهم.

۳- قاری بصره امام ابو عمرو بصری، که دوری و سوسی از او روایت کرده‌اند. و این قرائت از یازده صحابی روایت شده که عبارتند از: عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و عبدالله بن مسعود و ابی موسی اشعری و عبدالله بن عباس و عبدالله بن عیاش و عبدالله بن سائب و ابی بن کعب و زید بن ثابت و ابو هریره رضی الله عنهم.

- ۴- قاری شام امام بن عمر که از او هشام و ابن ذکوان روایت کرده‌اند و این قرائت از عثمان بن عفان روایت شده است.
- ۵- قاری کوفه امام عاصم بن ابی النجود، که شعبه و حفص از او روایت کرده‌اند (و اغلب مسلمین امروز قرآن را با روایت حفص از عاصم می‌خوانند). و این قرائت از شش تن از صحابه روایت شده که عبارتند از: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت، ابی بن کعب،؟.....^ﷺ
- ۶- امام حمزه زیات که از او خلف و خلاد روایت کرده‌اند. این قرائت از شش صحابی روایت شده که عبارتند از: عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، زید بن ثابت، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، حسین بن علی بن ابی طالب^ﷺ.
- ۷- امام علی بن حمزه کسائی، که ابو حارث و حفص دوری از او روایت نموده‌اند. و این قرائت از ده صحابی روایت شده که عبارتند از: عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عیاش، ابوهریره و حسین علی بن ابی طالب^ﷺ.
- ۸- امام یعقوب حضرمی که رویس و روح از او روایت کرده‌اند. این قرائت از یازده صحابی روایت شده که عبارتند از: عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب، ابی بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابو موسی اشعری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عیاش، عبدالله بن سائب و ابوهریره^ﷺ.
- ۹- امام خلف البزار، که از او ادريس و اسحاق روایت کرده‌اند. و این قرائت از شش صحابی روایت شده که عبارتند از: عثمان بن عفان، ابی بن کعب، علی بن ابی طالب، عبدالله بن مسعود، زید بن ثابت و حسین بن علی بن ابی طالب^ﷺ.
- ۱۰- امام ابو جعفر مدنی که از ابن وردان و ابن جماز روایت کرده است.

و این قرائت از پنج صحابی روایت شده است که عبارتند از: زید بن ثابت، ابی بن کعب، ابن عباس، و عبدالله بن عیاش و ابوهریره رضی الله عنهما!

اینها کسانی بودند که قرآن را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، در میان آنها شیعه اثناعشری ندیدیم، و این از صورت‌های اعجاز قرآن کریم است که خداوند در میان ناقلان آن کسی را قرار نداده که به صحابه پیامبر طعنه می‌زند، آن صحابه ای که قرآن را فرا گرفتند و جمع نمودند و حفظ کرده و نقل کردند آیا شیعه اثناعشری - هدانا الله وایاهم - می‌توانند غیر از این را اثبات کنند؟!.

شیعه اثناعشری ادعا می‌کنند که از زمره ناقلان قرآن حفص و عاصم هستند و این دو شیعه هستند، و آن طور نیست که اهل سنت می‌گویند که همه ناقلان قرآن و حاملان آن فقط از اهل سنت بوده‌اند.

پاسخ به این مسئله:

اول اینکه شیعه بعد از آن که از اثبات یک سند برای نقل قرآن از ائمه اهل بیت تا به پیامبر برسد، ناتوان ماندند این ادعا را کردند.

دوم اینکه این ادعا که رجال اسناد قرائت عاصم همه کوفی و شیعه هستند به سخن موثقی نیاز دارد و مدعی باید دلیل بیاورد!

سوم اینکه اگر رجال اسناد قرائت عاصم شیعه هستند، باید شیعه دو چیز را ثابت کنند: اول اینکه باید از کتاب‌های جرح و تعدیل و تراجم الرجال و طبقات، ویژه اهل سنت و الجماعت ثابت کنند که عاصم و حفص شیعه بوده‌اند.

دوم وقتی آنها این مسئله را نمی‌توانند از کتاب‌های ما ثابت کنند، آن را از کتاب‌های رجال اثناعشری مانند کتاب رجال الکشی و یا طوسی و غیره ثابت کنند تا ببینیم که آیا مؤلفین کتاب‌ها آن دو را از راویان و رجال خود می‌دانسته‌اند یا نه؟

چهارم اینکه کشی نجاشی و ابن داود و حلی و خاقانی و برقی در کتاب‌های رجال خود شرح حالی برای حفص بن سلیمان بیان نکرده‌اند و ذکری از او به میان نیاورده‌اند، با اینکه اینها معتمدترین کتاب‌های شیعه در رجال شیعه اثنا عشری به شمار می‌آیند.

نهایت این است که طوسی حفص بن سلیمان را در رجال^۱ خود در زمره اصحاب امام صادق نام برده است، و قهبائی در مجمع الرجال^۲ از او پیروی کرد و حائری در منتهی المقال^۳ نیز از او نقل کرده است، اما قهبائی و حائری هر دو از طوسی نقل می‌کنند، و همه در مورد حفص جرح و تعدیلی نیاورده‌اند و نگفته‌اند که او از شیعیان اثنا عشری است، و آیت الله تستری در کتابش قاموس الرجال^۴ از او نام برده و اشاره ای به شیعه بودن حفص نکرده است، سپس می‌گوید: «ما گفتیم: عنوان رجال شیخ عام‌تر است» یعنی رجال طوسی، پس تستری این را که حفص، شیعه اثنا عشری باشد نفی کرده و گفته است که همه‌ی کسانی که طوسی در رجال خود نام برده شیعه نیستند بلکه او به طور عام بیان کرده و افرادی از نواصب را در رجال خود ذکر کرده است.

پنجم اینکه آیا اگر شیعه اثنا عشری بگویند: فلانی از یاران صادق^۵ است، به معنای تأیید آن فرد و دلیلی بر امامیه بودن اوست؟

۱- رجال طوسی ص ۱۸۹.

۲- مجمع الرجال ۲/ ۲۱۱.

۳- منتهی المقال ۳/ ۹۲.

۴- قاموس الرجال ۳/ ۵۸۲.

۵- یکی از مسایل مهم که برای بسیاری از عوام شیعه اثنا عشری و بلکه حتی برای فرهنگیانشان مخفی مانده است، مسئله نص بر ائمه است، و گمان می‌برند که جدول دوازده امام در زمان پیامبر ص یا قبل از آن آماده و اسامی ائمه در آن تصریح شده‌اند، اما اگر کسی تامل کند که چنین امری واضح نبوده است، به عنوان مثال این امر که بعد از صادق^ع امام کیست برای یاران امام صادق^ع مشخص نبود! بلکه در زمان امام صادق معروف بود که بعد از او اسماعیل امام می‌شود، اما هنوز امام صادق زنده بود که بعد از او اسماعیل امام می‌شود، اما هنوز امام صادق زنده بود که اسماعیل وفات یافت، طوسی در کتاب الغیبه ص ۸۳ می‌گوید:

آیت الله تستری که یکی از علمای شیعه است می‌گوید: (این توثیق و تائید فرد به شمار نمی‌آید، و حتی از این نمی‌توان گفت که فرد از شیعه امامیه است).^۱

احمد بن خصیب از یاران هادی شمرده شده است با اینکه او ناصبی است.^۲

ب: آیا اهل سنت عقاید باورهای خود را از آل بیت می‌گیرند؟ امام اهل بیت که اهل بیت علیهم‌السلام به سبب خویشاوندی ایشان دارای فضیلت و برتری هستند، سرور انسانیت پیامبر هدایت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و اقوال و افعال و تائیدات ایشان علیهم‌السلام برای اهل سنت حجت هستند، و اقوال و افعال و تقریرات ایشان بعد از قرآن دومین منبع است، وقتی کلمه سنت اطلاق می‌شود منظور از آن سنت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

این سخن که فرا گرفتن دین و عقیده از کسی علی و حسن و حسین و دیگر ائمه اثنا عشری علیهم‌السلام جایز نیست به صراحت با آنچه بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل شده مخالف است، چنان

«مردم - یعنی شیعه - فکر می‌کردند اسماعیل بعد از پدرش امام می‌شود، وقتی دیدند امامت به کسی دیگر غیر از او رسید به بطلان تصور خود پی بردند». و بیشتر علمای شیعه بعد از وفات صادق قطعیه بودند - یعنی به امامت عبدالله بن جعفر معتقد بودند - چنان که نوبختی در (فرق الشیعه ص ۷۷) می‌گوید: شیعه بعد از وفات امام صادق به پنج فرقه تقسیم شدند چهار تا مدعی امامت برای غیر از موسی کاظم شدند، (ن ک فرق الشیعه ۶۶ - ۷۹)، و همچنین بعد از وفات امام عسکری به پانزده فرقه تقسیم شدند که همه جز یک گروه از آنها مدعی امامت برای غیر از محمد بن حسن عسکری بودند (ن ک فرق الشیعه نوبختی ص ۹۶)، پس این به ما می‌گوید که اگر لیست دوازده امام مشخص و منصوص می‌بود این اختلاف و تفرقه در مهم‌ترین ارکان دین پدید نمی‌آمد!!

ابو القاسم خوئی می‌گوید: «روایات متواتری که از طریق عام و خاص به ما رسیده اند تعداد ائمه را که دوازده هستند تعیین کرده و اسم هر یکی را پس از دیگری تعیین نکرده است!!» صراط النجاة فی أجوبة الإستفتاءات ۴۵۳/۲

و سپس نسبت داده شدن فرد که از یاران امام صادق است از این لازم نمی‌شود که اثنا عشری باشد چون چنین اختلافی در مورد امامت هست. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به کتاب الإمامة والنص فیصل نور.

۱- قاموس الرجال تستری ۱/ ۲۹ - ۳۴، ۱۸۰.

۲- قاموس الرجال تستری ۱/ ۱۸۰.

که خداوند می‌فرماید: ﴿وَالسَّلَافُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

«آنانکه سبقت به ایمان گرفتند از مهاجر و انصار و آنان که به طاعت خداوند پیروی آنان کردند خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند و خدا بر آنها بهشتی که از زیر درختانش نه‌رها جاریست مهیا ساخته که بر آن تا ابد متنعّم باشند و این به حقیقت سعادت بزرگ است».

و به اتفاق شیعه و سنی هیچ کسی از انصار از اهل بیت نبوده‌اند و می‌بینیم که خداوند از کسانی که بعد از انصار و مهاجرین می‌آیند و از انصار یا مهاجرین پیروی می‌کنند می‌پذیرد. پس اگر پیروی غیر از علی و حسن و حسین و دیگر ائمه شیعه جایز نمی‌بود، برای کسانی که بعد از آنها می‌آیند اطاعت از انصار جایز نمی‌بود، و علاوه بر این هیچ دلیلی وجود ندارد که فقط باید از علی و حسن و حسین و دیگر ائمه شیعه پیروی شود. محدثین اهل سنت کتاب‌هایی در فضائل و مناقب اهل بیت تالیف کرده‌اند مانند کتاب فضائل علی یا الخصائص الکبریٰ نسائی، و در بخاری و مسلم ابواب زیادی در فضل آل بیت آمده است و همچنین در دیگر کتاب‌های اهل سنت، و هر کسی در کتاب‌های معتبر اهل سنت تامل کند می‌بیند که علی که از دیدگاه شیعه امام اهل بیت است از میان خلفای اربعه از همه بیشتر حدیث روایت کرده است!!^۱

بخاری و مسلم ۱۶۳ روایت از علی روایت کرده‌اند. و در اصول کافی ۶۶ حدیث از علی روایت می‌کنند صحیح و ثابت است بر خلاف روایاتی که در کافی ذکر شده‌اند که علمای شیعه اعتراف می‌کنند که همه آنچه در کافی هست صحیح نیست. و همچنین اهل سنت از امام جعفر صادق و او از پدرش باقر در صحیح مسلم صفت حج پیامبر روایت کرده‌اند و حج رکن پنجم از ارکان اسلام است.

۱- مجموع روایات علی در نه کتاب حدیث ۱۵۹۹ روایت است. ن ک مسند ال البيت محمد نور سويد ۱ / ۵۷.

و این تنها حدیثی است که مسایل حج را به تفصیل بیان می‌کند و فقهای اهل سنت آنرا مستند خویش قرار داده‌اند. و هر سال عبادت حج را تا به امروز بر اساس این حدیث که امام صادق از پدرش باقر و او از جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه و او از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند انجام می‌دهند.

و در اینجا از هر شیعه ای - خداوند ما و آنها را هدایت کند - می‌پرسم: وقتی روایات از ائمه با اقوال و افعال پیامبر صلی الله علیه و آله متناقض و متعارض باشند - که چنین مواردی زیاد است - شما چه موضعی اتخاذ می‌کنید؟

من بعد از آن که خداوند مرا هدایت کرد و سنی شدم، از حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی می‌کنم، و در گذشته وقتی شیعه بودم از قول آخوند پیروی می‌کردم بدون آنکه مناقشه و بحثی کرده باشم. محمد رضا مظفر می‌گوید: (عقیده‌ی ما در مورد مجتهدی که جامع الشرائط است این است که او نایب امام علیه السلام در دوران غیبت است و حاکم و رئیس مطلق است، و همان اختیاراتی که امام در فیصله نمودن در قضایای مردم و حکومت بین مردم دارد، او نیز دارا می‌باشد، و کسی که سخن و فرمان او را رد کند سخن و فرمان امام را رد کند سخن و فرمان خدا را رد کرده است، و این در حد شرک ورزیدن به خداست!!)!

وقتی حدیث صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله بیاید اهل سنت اقوال غیر از پیامبر هر کسی که باشد را رها می‌کنند، و رسول خدا صلی الله علیه و آله امام اهل بیت علیهم السلام است، آیا بعد از این کسی می‌تواند بگوید: که اهل سنت فقه اهل بیت علیهم السلام را ترک کرده‌اند؟!.

دوم: شیعه و ثقلین

آیا شیعه اثنا عشری - هدانا الله وایاهم - به حدیث ثقلین عمل کرده‌اند و به کتاب خدا و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک جسته‌اند، یا اینکه به کتاب و عترت تمسک نجسته‌اند؟

پاسخ به این سوال:

الف: شیعه و قرآن:

بسیاری از علمای شیعه گفته‌اند که قرآن تحریف شده و ناقص است و ادعا کرده‌اند که این سخن عترت معصومین است (و حال آنکه عترت از چنین سخنی پاک و بری است، همان طور که اهل سنت معتقدند).

و برای هر انسان عاقل و هوشیاری پوشیده نیست که گناه و جرم طعنه زدن به قرآن (ثقل اکبر) از طعنه زدن به عترت (ثقل اصغر) بزرگتر است.

مسلمانی که فطرتش سالم باشد امکان ندارد که به این باور داشته باشد که قرآن تحریف شده است؛ چون او ایمان دارد که هیچ کسی از خداوند راستگوتر نیست، چنان که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ [النساء: ۱۲۲].

«آنان را که به خدا گرویدند و کارها به صلاح (خود و خلق) کردند بزودی آنها را به بهشتی در آوریم که زیر درختانش نهرها جاریست تا منزلگاه ابدی آنها باشد وعده ی خدا حق است و کیست که در گفتار راستگوتر از خداست».

و خداوند فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

«البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم او را محققاً محفوظ خواهیم داشت».

و با وجود نص صریحی که بر این دلالت می‌نماید که قرآن از دست کسانی که آنرا اضافه یا کم نمایند یا تغییر دهند، محفوظ است - چون حفاظت با این سه چیز منافات دارد - می‌بینیم که بسیاری از علمای شیعه اثناعشری می‌گویند قرآن تحریف شده است،^۱ حتی بعضی از آنها گفته‌اند: در قرآن آیات سخیف و پوچ هست. العیاذ بالله.

۱- اصول کافی ص ۲۸۶ باب أنه لم یجمع القرآن كله إلا الأئمة علیهم السلام، وأنهم یعلمون علم كله، مقدمه تفسیر قمی ۳۶ / ۱ - ۳۷. الأنوار النعانية ۲ / ۳۵۷ - ۳۵۸، مرآة العقول ۱۲ / ۵۲۵، فصل الخطاب فی إثبات تحریف کتاب رب

شیعه می‌گویند که آنها اهل بیت را دوست دارند و از آنها دفاع می‌کنند، و اهل سنت دشمنان اهل بیت را دوست می‌دارند و از آنها دفاع می‌نمایند.

آیا کسی که اهل بیت را دوست می‌دارد و از آنها دفاع می‌کند، می‌گوید: اهل بیت به صراحت گفته‌اند که قرآن تحریف شده است؟

چنین سخنی طعنه به اهل بیت است و دفاع از آنها نیست. اما اهل سنت آنچه را که به اهل سنت نسبت داده شده انکار می‌کنند و این روایات را تکذیب می‌نمایند.

اگر بگوئی: بعضی هستند که این سخن را به اهل بیت نسبت نمی‌دهند؟

به شما می‌گویم: موضع شما در مورد کسانی که تحریف را به اهل بیت نسبت می‌دهند چیست آیا از آنها اظهار بیزاری می‌کنی؟! برای محبت و دوست داشتن اهل بیت با بیزاری جستن از کسانی که از روی ظلم و تجاوز و عقیده تحریف قرآن را به اهل بیت نسبت می‌دهند، بیزاری بجوی و هرگز چنین سخنی از دهان پاک اهل بیت بیرون نیامده است، عقیده اهل سنت در مورد اهل بیت همین است و اهل سنت جان و مال خود را برای دفاع از اهل بیت فدا می‌کنند.

پس حقیقت و واقعیت ثابت می‌کنند که چه کسی اهل بیت علیهم‌السلام را دوست می‌دارد و به آنها اقتدا می‌کند.

و سوال مهم در اینجا این است که آیا علمای شیعه بدون سبب گفته‌اند قرآن تحریف شده است؟ طبیعی است که بدون سبب نگفته‌اند.

اسبابی که به خاطر آن علمای شیعه اثنا عشری مدعی تحریف قرآن شده‌اند زیادند و مهم‌ترین آن عبارتند از:

۱- در قرآن به صراحت از امامت علی علیه‌السلام سخن گفته نشده است، بنابراین علمای

- شیعه ادعا کرده‌اند که اسم علی علیه السلام از قرآن انداخته شده است!!^۱.
- ۲- برای رهایی یافتن از تناقضی که اعوام شیعه با آن مواجه می‌شوند که در قرآن صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ستایش شده‌اند، و در عقیده و باور آنها صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ستایش شده‌اند و در عقیده و باور آنها صحابه و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد مذمت هستند از این رو برای رهایی از این تناقض علمای شیعه مدعی شده‌اند که قرآن تحریف شده است.
- ۳- ادعای تحریف قرآن در آمدی است برای این سخن که اسامی ائمه و فضایل آنها در قرآن موجود بوده است.^۲
- ۴- اگر بگوئید که قرآن تحریف نشده است، آنها با این سخن اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تزکیه و تأیید کرده‌اند، چون اگر آنها بر دین خود استوار نمی‌بودند چگونه قرآن را سالم و بدون نقص و تحریف به ما می‌رساندند؟!.
- ۵- وقتی به شیعه گفته می‌شود دلیل عصمت دوازده امام از قرآن کجاست؟! می‌گویند آیه تطهیر، به آنها گفته می‌شود: سیاق آیه در مورد همسران پیامبر است می‌گویند: به خاطر مصلحت‌های دنیوی جای آن را تغییر داده‌اند.^۳
- ۶- با ادعای تحریف قرآن می‌خواهند عوام شیعه را از قرآن و استدلال به آن دور کنند، و واقعیت بر این امر گواه است.
- ۷- ادعای تحریف قرآن به علمای شیعه تقدس بزرگی می‌دهد و آنها هستند که حق و دلیل را می‌فهمند، و اقوال آنها حجت هستند نه قرآنی که بازیچه دست مردم تحریف گر بوده است.

پس چرا این قرآن صحیحی که شیعی می‌گویند وجود دارد را نمی‌بینیم؟

۱- ن ک تفسیر الصافی فیض کاشانی ۴۹/۱.

۲- الأنوار النعمانیة الجزائری ۹۷/۱.

۳- بحار الأنوار ۲۳۴/۳۵.

علمای شیعه به این پرسش پاسخ‌های متعددی داده‌اند: اول اینکه قرآن مخفی اگر آشکار شود در آن کسانی که در گذشته بوده‌اند مورد مذمت قرار گرفته و رسوا شده‌اند، پس باید پنهان شود.^۱

و دوم اینکه تا مخالفان همچنان به نافرمانی امیر المومنین تا روز قیامت ادامه دهند و آنگاه مستحق خواری بزرگی خواهند شد.^۲

پس قرآنی که امروزه موجود است چه فایده‌ای دارد، و آیا امکان دارد که مسلمانی به تحریف قرآن معتقد باشد و سپس منبعی برای شناخت احکام شرعی نداشته باشد؟ بله! تناقض موجود است و ادامه دارد، و این مشکلی دارد که بسیاری از معتقدان به تحریف قرآن گرفتار آن هستند، و نعمت الله جزائری - که یکی از علمای بزرگ شیعه است - راه برون رفتن از این بحران و مشکل ایجاد کرده است، او می‌گوید: «در احادیث روایت شده که آنها (ائمه) علیهم‌السلام شیعیان خود را به خواندن این قرآن موجود در نماز و غیره و عمل کردن به احکام آن دستور داده‌اند تا آنکه مولای ما صاحب الزمان ظهور می‌کند، و آنگاه این قرآن از دست مردم به آسمان می‌رود، و صاحب الزمان قرآنی را که امیر المومنین علیه‌السلام تالیف و جمع آوری نموده بیرون می‌آورد و آن قرآن خوانده می‌شود و به احکام آن عمل می‌شود».^۳

و با وجود همه این می‌بینیم که متأخرین علمای اثنا عشری کوشیده‌اند برای قائلین به تحریف قرآن عذری بتراشند، و گفته‌اند که آنها کافر نیستند، به این دلیل که آنها اجتهاد کرده و به خطا رفته‌اند؛ چون گفته‌هایشان بر حسب دلایلی است که داشته‌اند.

۱- الأنوار النعانية ۲ / ۳۶۰.

۲- منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة حبيب الله خوئی ۲ / ۲۲۰.

۳- الأنوار النعانية ۲ / ۳۶۰.

می‌گوئیم: چگونه برای کسانی که به صراحت این سخنان را گفته‌اند ادعای اجتهاد می‌شود و برایشان عذر می‌تراشیم و می‌گوئیم اجتهاد کرد و به خطا رفته است، و نمی‌پذیریم که گوینده این سخن کافر می‌شود و یا حداقل این قول کفر است؟!.

آیا شایسته است که ناصبی‌هایی که به اهل بیت پاک پیامبر طعنه زده‌اند به دلیل اینکه برای آنها این ثابت نبوده که به این بزرگان نباید طعنه زده شود را معذور بدانیم؟!.

سوال: چگونه کسی را که به ثقل اکبر طعنه می‌زند معذور قرار می‌دهیم، و معذور قرار دادن کسی که به ثقل اصغر طعنه می‌زند را نمی‌پذیریم؟!.

آیا شایسته است که برای کمونیستی که وجود خدا را انکار می‌کند و دلیل می‌آورد و بحث می‌کند معذور بدانیم و بگوئیم او اجتهاد کرده و کافر نمی‌شود؛ چون اجتهادش به او می‌گوید که خدا وجود ندارد؟!.

به راستی که این بازی کردن با دین و از بین بردن شریعت و دین تحت تابلوها و شعارهای گوناگون است!.

همانطور که اجتهاد در مورد یگانگی خداوند جایز نیست، همین طور اجتهاد در مورد سلامت و مصونیت قرآن از تحریف جایز نیست، چون این دو چیز ز امور ضروری دین هستند.

و اینجا ما سوالی از شیعه داریم: علمای اثناعشری که اجتهاد کرده‌اند و به خطا رفته‌اند و گفته‌اند قرآن تحریف شده است - چنان که متأخرین شیعه ادعا می‌کنند - وقتی دو حدیث برایشان متعارض قرار گرفته، چه کار می‌کرده‌اند؟

آیا این دو حدیث را به قرآنی که از دیدگاه آنها تحریف شده و در آن آیات سخیف و پوچی هست، عرضه می‌کرده‌اند؟!.

یا قرآنی دیگر که تحریف نشده داشته‌اند و به آن عرضه کرده‌اند؟!.

یا اینکه حدیث جعفر صادق علیه السلام را نمی‌دانسته‌اند که می‌گوید: «بر هر حقی حقیقتی هست، آنچه با کتاب خدا موافق بود آن را بگیرد و آنچه با آن مخالف بود آن را ترک

کنید؟!^۱.

انتظار ما از همه علمای شیعه اثناعشری این است که در مورد قائلین به تحریف قرآن همان شیوه‌ای را در پیش بگیرند که در مورد مرجع شیعه آیت الله العظمی محمد حسین فضل الله در اجتهاداتش در پیش گرفتند، که با او مناقشه شد و او را گمراه قرار دادند و خواستار سلب مرجعیت او و عدم اعتماد به او شدند؛ چون به صراحت اعلام کرد که علی علیه السلام شجاع‌تر و پرهیزگارتر از این است که اجازه دهد به همسرش اهانت شود و از آن دفاع نکند^۲، به خاطر این سخنان آیت الله محمد حسین فضل الله را به انحراف در عقیده متهم کردند^۳.

با اینکه آیت الله محمد حسین فضل الله بعد از بررسی زیاد و طولانی و با دلیل به چنین باوری رسیده است، و فقط از روی انکار چنین نکرده است، و همچنین با استاد عراقی احمد کاتب که در کتابش «تطور الفكر السياسي الشيعي من الشورى إلى ولاية الفقيه» منکر نظریه امامت شده، چنین رفتاری کردند و او را به ناصبی بودن و کفر متهم کردند^۴، با اینکه همه می‌دانیم که ادعای تحریف قرآن به مراتب از آنچه محمد حسین فضل الله و احمد الکاتب با مذهب شیعه مخالفت کرده‌اند گناه بزرگتری است، چون نص صریح آمده که قرآن محفوظ است و آنچه محمد حسین فضل الله و احمد الکاتب با آن مخالفت نموده‌اند اینطور نیستند.

ب - آیا اثناعشریه سند معتبری برای حدیث ثقلین دارند؟

آیا شیعه اثناعشری می‌توانند حدیث ثقلین را با سند متصلی که رجال و راویان آن شیعه امامی اثناعشری عادل ضابط باشند؟! چنان که حدیث صحیح را تعریف می‌کنند.

۱- اصول کافی ۱/ ۶۹.

۲- الحوزة العلمية تدین الانحراف ۲۷ - ۲۸.

۳ - ن ک حوار مع فضل الله حول الزهرا هاشم هاشمی ص ۳۰ / ۳۳.

۴ - ن ک الشهاب الثاقب للمحتج بکتاب الله في الرد على الناصب أحمد الکاتب. عالم سبیط نبلی.

یکی از علمای شیعه به بررسی عموم روایات از نظر صحت و ضعف پرداخته اما از سوی هم کیشان خود در معرض هجوم سختی قرار گرفته است، چنان که برای علامه حلی اتفاق افتاد که او از اولین کسانی به شمار می‌آید که اسانید روایات شیعه را مورد بررسی قرار داد و یکی از نتیجه‌های این بررسی این بود که او دو سوم روایات کتاب‌های اساسی شیعه مانند کافی را از اعتبار ساقط کرد، تعداد روایات کافی ۱۶۱۹۹ روایت است و بر اساس معیارهای شیعه جز ۵۰۷۲ روایت باقی نمی‌ماند.^۱

حلی به خاطر این کارش به شدت از سوی هم کیشان خود مورد حمله قرار گرفت، تا جایی که درباره ی او گفتند: «دین دوبرار منهدم گردید: یکی روز سقیفه و دوم روزی که علامه به دنیا آمد!»^۲.

بلکه علم (مصطلح الحدیث) نزد شیعیان جدید و تازه است، و آن را از اهل سنت گرفته‌اند، و این علم را نداشته‌اند چنان که حر عاملی - که یکی از علمای بزرگ شیعه به شمار می‌آید- می‌گوید: «و اصطلاح جدید موافق با اعتقاد و اصطلاح عامه است»^۳، بلکه از کتاب‌های آنها گرفته شده چنان که با بررسی مشخص می‌شود.^۴

و حر عاملی می‌گوید: فایده از وضع این علم - علم اسناد - دفع اعتراض و طعنه زدن عامه است، که می‌گویند احادیثشان به صورت عن فلان عن فلان روایت نشده، و بلکه از اصول گذشتگان روایت و نقل شده است.^۵

و از آنچه گذشت برای ما روشن می‌شود که علم (المصطلح الحدیث) نزد شیعه اثناعشری چیز تازه ایست که ریشه و سابقه نداشته است، بیشتر هدف از آن حمایت

۱ - لؤلؤه البحرین، ص ۳۹۴، کلیات فی علم الرجال ص ۳۵۷.

۲ - أعیان الشیعة ۵ / ۴۰۱، مقیاس الهدایه ۱ / ۱۳۷. الحدائق الناضرة ۱ / ۱۷۰.

۳ - منظور از عامه اهل سنت است.

۴ - وسائل الشیعة ۲۰ / ۱۰۰.

۵ - وسائل الشیعة ۲۰ / ۱۰۰.

مذهب از انتقاد مخالفان و دفاع از مذهب است تا رسیدن به صحت حدیث. و بنابر امور گذشته شیعه به دو گروه تقسیم شدند: اخباریه و اصولیه. اخباریه کسانی که از ادله شرعی فقط کتاب و سنت برای آنها معتبر است، پس همه آنچه از ائمه نقل شده نزد آنها حجت است؛ چون از معصومین نقل شده است و وقتی حدیث در اصولشان ذکر شده باشد به جایگاه آن نگاه نمی‌کنند.^۱

و اصولیه کسانی هستند که در استنباط احکام شرعی از ادله چهارگانه: قرآن و سنت و اجماع و دلیل عقل استفاده می‌کنند.^۲

راویان اهل سنت قرآن و سنت را نقل کرده‌اند. شیعه اثنی عشری - هدانا الله وإیاهم - احادیث اهل سنت را اصلاً نمی‌پذیرند و به آن باور ندارند و ادعا می‌کنند که راویان از مخالفین هستند که از ائمه اهل بیت پیروی نمی‌کنند بلکه از دشمنانشان اطاعت می‌نمایند. می‌گویم: چگونه شیعه روایات نقل قرآن را از راویان اهل سنت قبول می‌کنند و حال آن که آنها از مخالفین هستند، و از طرفی باقی روایات اهل سنت را نمی‌پذیرند؟!.

و همه کسانی که به این باور معتقدند باید یا همه احادیث ثابت اهل سنت را باور کنند همان طور که اهل سنت به آن باور دارند، و یا بر عقیده خود باقی بمانند و همه احادیث ثابت اهل سنت را رد کنند، اما به شرطی که اسانید نقل قرآن را نیز رد کنند.

و در این صورت نیز باید به تحریف قرآن اقرار نماید همان طور که در کتاب‌های معتبر شیعه نوشته شده است، خواه از حیث روایاتی که در این مورد آمده و یا اعترافات علمایشان، که می‌گویند قرآن کامل نزد امام دوازدهم مهدی است، پس اینها دو گزینه هستند و گزینه سومی ندارند، یا احادیث نقل قرآن و سنت را با هم بپذیرند و یا هر دو را رد کنند!؟.

۱- أعيان الشيعة ۱/ ۹۳، الوافی کاشانی ۱/ ۱۱، تنقیح المقال ۱/ ۱۸۳ رسائل فی درایة الحدیث بابلی ۲/ ۲۲۳.

۲- أعيان الشيعة ۱۷/ ۴۵۳، مع علماء نجف الاشراف ص ۱۰.

پایان

به همه کسانی که خالصانه برای خدا حق را می‌جویند و آل بیت علیهم‌السلام را دوست می‌دارند می‌گوییم: بدان که خداوند آنچه در دلت هست را می‌داند و هیچ چیزی بر او پنهان نمی‌ماند و شما روز قیامت محاسبه خواهی شد، و پیش خدا مسئول هستید، آیا نباید هدایت را مخلصانه از پروردگارت طلب کنی و از او بخواهی که حق را به تو حق بنماید و به تو پیروی از آن را ارزانی کند، و باطل را به شما باطل بنماید و دور کردن از آن را نصیب شما گرداند.

ای شیعه: این ناله و پیامی متواضعانه است که برای تو نوشته‌ام، تا از حقایق آگاه شوی که ممکن است از تو پنهان مانده‌اند، و این کمترین چیزی است که برای دفاع از اهل بیت و صحابه علیهم‌السلام تقدیم می‌کنم.
امیدوارم خداوند مرا با آنها حشر بگرداند تا واقعاً صحابه را به دست آورده و آل بیت را از دست نداده باشم.

وصل اللهم وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه.
أبو سلمان